

گفت‌وگوی صبا با عوامل نمایش «کتابخانه نیمه شب»

یک کمدی شریف در باب ارزش ذاتی زندگی

این روزها نمایش «کتابخانه نیمه شب» به نویسندگی نیما نافع و مجتبی گلستانی روی صحنه تماشخانه ملک است. در این نمایش که به تهیه‌کنندگی حسین کلهر و کارگردانی محمد ملک‌شاهی به صحنه می‌رود مونا فرجاد و محمد شعبانپور به ایفای نقش می‌پردازند. در ادامه گپ و گفت خبرنگار صبا با عوامل این نمایش را می‌خوانید.

مریم عطیمی

گفت‌وگو

محمد ملک‌شاهی، کارگردان:

هدف من ارائه نمایشی موفق بود



نمایش چقدر توانسته با مخاطب ارتباط برقرار کند؟

تا این لحظه استقبال خوبی از نمایش شده است. رمان کتابخانه نیمه‌شب بیش از ده میلیون بار در آمریکا به فروش رفته و در ایران نیز بارها تجدید چاپ شده است. بسیاری از تماشاگران، به ویژه جوان‌ترها، پیش از دیدن نمایش، کتاب را مطالعه کرده بودند. به همین دلیل، به نظر می‌رسد که پرداختن به لایه‌های طنز و ساده‌سازی روایت، به جذب مخاطب عام کمک کرده است. اصولاً آثار بسیار عمیق و فلسفی، کمتر می‌توانند چنین دایره وسیعی از مخاطبان را جذب کنند.

آیا تبدیل فضای دراماتیک رمان به یک نمایش طنز آمیز برای شما چالش‌برانگیز بود؟

بله، قطعاً. این مسئله برای خود من هم یک ریسک محسوب می‌شد. به هر حال مخاطبان اصلی این نمایش، کسانی بودند که پیش‌تر کتاب را خوانده و دوست داشتند. طبیعی بود که برخی از آن‌ها انتظار داشتند اقتباس نمایشی هم همان حال و هوای درام را حفظ کند. اما تصمیم گرفتیم با ایرانیزه کردن داستان و افزودن عناصر طنز، روایت را شیرین‌تر و سرگرم‌کننده‌تر کنیم. خوشبختانه این ریسک نتیجه داد و بازخوردها از سوی تماشاگران، در مجموع، مثبت بود.



نقطه آغاز شکل‌گیری ایده این نمایشنامه چه بود؟

حدود دو سال پیش زمانی که رمان کتابخانه نیمه‌شب را مطالعه کردم، به این نتیجه رسیدیم که این رمان ظرفیت بسیار بالایی برای اقتباس نمایشی دارد. با توجه به تصویری که داستان در ذهن ایجاد می‌کرد، احساس کردم می‌توان اثری نمایشی و دیدنی از آن خلق کرد. همان زمان، طرحی حدوداً یک صفحه‌ای نوشتیم و آن را با آقای حسین کلهر، که اکنون تهیه‌کننده نمایش هستند، در میان گذاشتیم. قرار شد تیمی برای نگارش نمایشنامه تشکیل دهیم.

روند نگارش نمایشنامه با نویسندگان چگونه پیش رفت؟

پس از طرح اولیه، آقای مجتبی گلستانی را برای نوشتن ساختار کلی نمایشنامه دعوت کردیم؛ آشنایی ایشان با آقای کلهر زمینه‌ساز این همکاری شد. از سوی دیگر، چون تصمیم داشتیم فضای نمایش از نظر طنزپردازی پُررنگ‌تر از رمان باشد، از آقای نیما نافع که پیش‌تر در آثار طنز (برنامه خندوانه) نیز فعال بودند دعوت به همکاری کردیم. هدف ما این بود که ضمن حفظ شاکله‌ی داستان، آن را به نوعی ایرانیزه کنیم و شوخی‌های بیشتری در آن بگنجانیم. در این راستا هر دو نویسنده زحمات زیادی کشیدند؛ همچنین آقای کلهر، اگرچه نامشان به عنوان سرپرست نویسندگان ذکر نشده، نقش پررنگی در بازنویسی و ویرایش متن داشتند که در نهایت به یک خروجی قابل قبول ختم شد.

نمایشنامه طی چه مدت آماده شد؟

مراحل نگارش و تکمیل نمایشنامه در قالب یک تیم چهار نفره، طی چند ماه صورت گرفت. البته در مرحله تمرین با بازیگران، تغییراتی نیز در برخی بخش‌ها اعمال شد، اما کلیت اثر همان ساختار اولیه را حفظ کرد.

دیدگاه شما به عنوان کارگردان نسبت به محتوای

نمایش چیست؟

واقعیت این است که من این نمایش را برخلاف بسیاری از افراد، اثری عمیق و فلسفی نمی‌دانم حتی رمان اصلی هم اثری فانزنی است که داستانی جذاب دارد. در نتیجه، در کارگردانی نیز تلاش کردم بیش از آن که به دنبال رساندن مفاهیم پیچیده باشم، در راستای اجرای یک نمایش سلیس بکوشم. نمایشی که مخاطب با آن به راحتی ارتباط برقرار کند.



درباره عوامل اجرایی نمایش بیشتر توضیح می‌دهید؟

همه‌ی اعضای گروه نهایت تلاش خود را به کار بستند. از جمله آقای مجید توکلی که علاوه بر نقش مشاور کارگردان و مجری طرح، نقش مهمی در هدایت اجرایی پروژه داشتند و از ایشان بسیار آموختم. از همسر ایشان، خانم بلوری که مسئولیت مدیریت تولید را بر عهده داشتند نیز صمیمانه تشکر می‌کنم. حقیقت این است که با توجه به مشغله‌های دیگری که داشتیم، اگر همراهی و حضور مؤثر این عزیزان نبود، شاید پروژه به این شکل شکل نمی‌گرفت یا حداقل ادامه پیدا نمی‌کرد. همچنین باید تأکید کنم که این پروژه، وام‌دار اعتماد و همراهی آقای حسین کلهر است؛ نه فقط به عنوان تهیه‌کننده، بلکه به عنوان رفیقی که از همان ابتدای مسیر، به ایده‌ها و باور داشت و در کنارم بود. همراهی صمیمانه و حرفه‌ای همه‌ی اعضای گروه، فضای دلگرم‌کننده‌ای ایجاد کرد که امیدوارم در پروژه‌های آینده نیز ادامه پیدا کند.

باز خورد مخاطبان نسبت به نمایش چگونه بود؟

خوشبختانه بازخوردها بسیار رضایت‌بخش بود. در سامانه تیوال، امتیاز ما ۴.۵ از ۵ است که نشان می‌دهد مخاطبان عمدتاً از اجرا راضی بوده‌اند. البته، عده‌ای از علاقه‌مندان سرسخت کتاب، معتقد بودند که اقتباس باید وفادارانه‌تر می‌بود اما به نظر من، این گروه در اقلیت بودند و در مجموع، بیشتر تماشاگران از اجرا لذت بردند. این پروژه برای من نخستین تجربه کارگردانی مستقل بود، هدف این بود که پروژه‌ای موفق ارائه دهم؛ نمایشی که هم مخاطب از آن راضی باشد و هم در ژانر کمدی، دچار ابتذال نشود. تلاش شد تا روایت داستان با ساختاری منسجم پیش برود و در نهایت، تماشاگر با لبخند و رضایت سالن را ترک کند. خوشبختانه به گمان من، این هدف محقق شد.